

بخش پنجم

امویان در مسند قدرت و قیام

امام حسین علیه السلام

صُحْحِ حَسَنی و حَکومتِ اُموی

مقدمه

با شهادت امیر مؤمنان علی علیه السلام، خلافت به سبط اکبر پیامبر صلی الله علیه و آله - امام حسن مجتبی علیه السلام - رسید اما کارشکنی‌ها و دشمنی‌های معاویه منجر به قرارداد صلح تحمیلی و واگذاری حکومت به معاویه شد. معاویه برخلاف تعهدات خود، دوره‌ای از فشارها و سختگیری‌های شدید بر شیعیان و علویان را آغاز کرد. ضمن اینکه تلاش کرد به هر ترتیبی شده، فرزندش یزید را به عنوان جانشین و ولیعهد خود بر مردم تحمیل کند. در درس حاضر به بررسی عملکرد معاویه در طول بیست ساله حاکمیتش خواهیم پرداخت.

خلافت امام حسن علیه السلام

پس از بیعت مردم عراق، مردم حجاز نیز با قدری تأمل، خلافت امام حسن علیه السلام را پذیرفتند. گفتنی است بیعت شیعیان با آن حضرت با اعتقاد به امامت و خلافت الهی آن حضرت همراه بود، اما بیعت دیگران با آن حضرت، صرفاً به عنوان خلافت و رهبری سیاسی بود. پیش از بیعت مردم، امام علیه السلام خطبه‌ای خواند و آیه تطهیر را - که درباره اهل بیت علیهم السلام نازل شده بود - به آنها گوشزد کرد.

پس از شهادت امیر مؤمنان علی علیه السلام، مردم و نیز شیعیان آن حضرت، روبه امام حسن علیه السلام آوردند و از آن حضرت خواستند خلافت را بپذیرد. امامت امام حسن علیه السلام سال‌ها قبل توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله ابلاغ و اعلام شده بود و امام علی علیه السلام نیز فرزندش - امام حسن علیه السلام - را جانشین خود اعلام کرده بود و اکنون با بیعت مردم کوفه، آن حضرت به خلافت رسید.

فکر کنید و پاسخ دهید

به نظر شما دلیل این که امام حسن علیه السلام بر آیه تطهیر تأکید کرد، چه بود؟

صلح تحمیلی

به قتل رسیدند. در ادامه، نامه‌های دیگری بین امام علیه السلام و معاویه رد و بدل شد، ولی تبادل نامه‌ها سودی نبخشید و راهی جز جنگ باقی نماند. به همین منظور معاویه به کارگزارانش در نواحی مختلف نوشت که همراه سپاهیان‌شان به او ملحق شوند و خودش تا پل مَیْبِیج در عراق پیشروی کرد. امام علیه السلام نیز به حُجْر بن عدی مأموریت داد که مردم و کارگزاران حضرت را برای نبرد آماده کند. با خطبه امام علیه السلام و دعوت برخی از یاران نزدیکش همچون: عدی بن حاتم و قیس بن سعد، و پس از قدری سستی و تأمل، حدود دوازده هزار نفر در اردوگاه نُخَيْلَة کوفه فراهم آمدند.

امام علیه السلام فرماندهی سپاه را به عُبَیدالله بن عباس سپرد و قیس بن سعد و سعید بن قیس را مشاوران او قرار داد. سپاه به سوی مَسْکَن - که معاویه بدان جا پیش رانده بود - حرکت کرد. امام علیه السلام نیز خود به سباط مدائن رفت تا قوای افزون‌تر فراهم سازد و نیز با سپاه اعزامی معاویه

پس از بیعت مردم و آغاز خلافت امام حسن علیه السلام، مهم‌ترین مسئله‌ای که پیش روی امام حسن علیه السلام قرار داشت، فتنه معاویه در شام بود. در درس قبل اشاره شد که امام علی علیه السلام در حالی به شهادت رسید که در تلاش برای تجهیز قوا و حرکت به سوی شام برای مقابله با معاویه بود. امام حسن علیه السلام در ادامه این تلاش نامه‌ای برای معاویه ارسال کرد و ضمن بیان پیشینه ظلم‌هایی که از سقیفه به این سو، بر اهل بیت علیهم السلام رفته بود، از معاویه خواست که همچون دیگر مردمان، با آن حضرت بیعت کند اما معاویه در پاسخ، اختلاف خود و امام علیه السلام را همچون اختلاف ابوبکر و اهل بیت علیهم السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله دانست و امام علیه السلام را به جوانی و بی‌تجربگی متهم کرد و خود را برای خلافت شایسته‌تر دانست.

معاویه سپس جاسوسانی به کوفه و بصره فرستاد، اما این جاسوسان شناسایی شدند، و به دستور امام علیه السلام

یک توضیح

مردم کوفه

مردم این شهر، در حوادث مختلف، مواضع ناهمگونی داشتند. آنان در جنگ جمل و آغاز صفین، به خوبی با امام علی علیه السلام همراهی کردند، اما در سالیان آخر عمر امام علیه السلام نسبت به فرمان‌های آن حضرت بی‌اعتنا بودند. امام حسن علیه السلام در آغاز خلافتش با مردمی با این پیشینه مواجه بود. به گفته شیخ مفید، اصحاب امام حسن علیه السلام متشکل از چند گروه بودند: الف - شیعیان امام علی علیه السلام ب - خوارج که صرفاً به علت تصمیم امام حسن علیه السلام برای جنگ با معاویه، گرد او جمع شده بودند. ج - افراد طمع‌کاری که صرفاً به دنبال غنائم جنگی بودند. د - افراد عوام که نمی‌دانستند چه کنند و احتمال چرخش آنها به هرسو که سودآورتر بود، می‌رفت. ه - آنها که به انگیزه تعصبات قبیله‌ای و بی‌توجه به دین، تابع رؤسای قبایل بودند و در بین اینان گروه سوم، تعدادشان بیشتر بود.

مقابله کند. در آنجا گروه خوارج، پس از پخش شدن خبر دروغ سازش و صلح امام علیه السلام با معاویه - که توسط نیروهای معاویه شایع شده بود - به امام علیه السلام حمله ور شده، باروئنه امام علیه السلام را غارت کردند و یکی از آنان، ضربتی بر ران امام علیه السلام وارد ساخت. شیعیان امام را در میان گرفتند و فرد حمله کننده به امام را نیز به قتل رساندند. شایان ذکر است که خوارج با وجود دشمنی نسبت به امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام، صرفاً به منظور جنگ با معاویه در سپاه امام علیه السلام داخل شده بودند.

معاویه تلاش کرد در جبهه مَسْكِينٌ^۱ نیز ایجاد تفرقه نماید. از این رو، ضمن پخش شایعه درخواست صلح از سوی امام حسن علیه السلام، به عبیدالله بن عباس - فرمانده سپاه - نیز پیغام داد که در صورت ملحق شدن به معاویه، یک میلیون درهم دریافت خواهد کرد؛ نیمی اکنون و نیمی پس از ورود به کوفه! و متأسفانه عبیدالله نیز فریب خورد و شبانه به معاویه پیوست.^۲ این موجب شد قریب به دو سوم سپاه عراق به معاویه بپیوندند و تنها چهار هزار نفر باقی ماندند و فرماندهی آنان را قیس بن سعد عهده دار شد.

به دنبال این وقایع، اشراف عراق نیز ضمن پیوستن به معاویه، وفاداری خود را به او اعلام کردند. معاویه که از شورش خوارج داخل شده، در سپاه امام علیه السلام بر او و مجروح شدن حضرت با خبر بود، کسانی را نزد امام علیه السلام فرستاد و درخواست صلح را مطرح کرد. آن گاه که امام علیه السلام پیشنهاد معاویه را با سپاهش در سبابه مدائن مطرح کرد و آنان را میان جنگیدن و شهادت یا صلح و ماندن مخیر کرد، بسیاری از آنان فریاد برآوردند

که: «الْبَقِيَّةُ الْبَقِيَّةُ؛ یعنی: ما طالب ماندنیم!» از این رو، آن حضرت، عبدالله بن نوفل را نزد معاویه فرستاد و فرمود: به معاویه بگو: «اگر مردم بر جان و مال و فرزندان و زنان خود ایمن اند من با تو بیعت می کنم، در غیر این صورت بیعت نخواهم کرد». اما فرستاده امام علیه السلام نزد معاویه، شروط دیگری مانند واگذاری خلافت به امام علیه السلام پس از معاویه، و نیز شروط مالی^۳ را از جانب خود مطرح کرد. معاویه نیز پذیرفت و سپس دستور داد تا برگه سفیدی آوردند؛ پایین آن را امضا کرد و آن را نزد امام - علیه السلام فرستاد. امام علیه السلام نیز متن قرارداد را بر اساس دو محور اصلی تنظیم کرد: عدم تعیین ولیعهد توسط معاویه و واگذاری خلافت به شورا (پس از مرگ معاویه) و نیز تأمین امنیت عموم مسلمانان؛ به ویژه شیعیان امام علی علیه السلام. بدین ترتیب، امام حسن علیه السلام در شرایطی که خود راضی بدان نبود، به ناچار صلح نامه را پذیرفت. هرچند برخی از شیعیان، در این خصوص به امام علیه السلام اعتراض کردند، اما آن حضرت، سبب اصلی این کار را حفظ باقی مانده شیعیان دانست؛ زیرا در شرایطی که سپاه حضرت متفرق شده بود و بخش زیادی خیانت کرده بودند، مقاومت و جنگ، جز هدر دادن نیروها - بدون دستاورد لازم - چیزی به دنبال نداشت. گفتنی است امام حسن علیه السلام در جریان صلح تحمیلی، از خلافت یا همان حکومت ظاهری دست کشید، اما امامت که از جانب خداوند و پس از امام علی علیه السلام به او رسیده بود، چیزی نبود که با پشت کردن مردم، از آن حضرت بازستانده شود.

۱- نام مکانی در شمال بغداد.

۲- و این در حالی بود که چندی پیش از این ماجرا، یکی از فرماندهان معاویه - به نام بُسْر بن ابی اریطه - دو فرزند عبیدالله را پیش چشمان

مادرشان سر بریده بود.

۳- یعنی واگذاری مالیات منطقه دارابجرد و نیز پرداخت سالیانه پنجاه و پنج هزار درهم از بیت المال به امام علیه السلام.

درباره این پرسش که چرا امام حسین علیه السلام با وجود یارانی اندک، جنگید تا به شهادت رسید، اما امام حسن علیه السلام اقدام به پذیرش صلح کرد، قدری بیندیشید و دیدگاهتان را به بحث بگذارید.

معاویه بر مسند حکومت

همان دوره خلیفه دوم که معاویه از سوی وی، به عنوان والی و کارگزار شام برگزیده شد، رفته رفته زندگی اشرافی او و بنای کاخی مجلل، موجب اعتراضات صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به معاویه شد؛ اما عمر مخالفت جدی با معاویه بروز نداد!

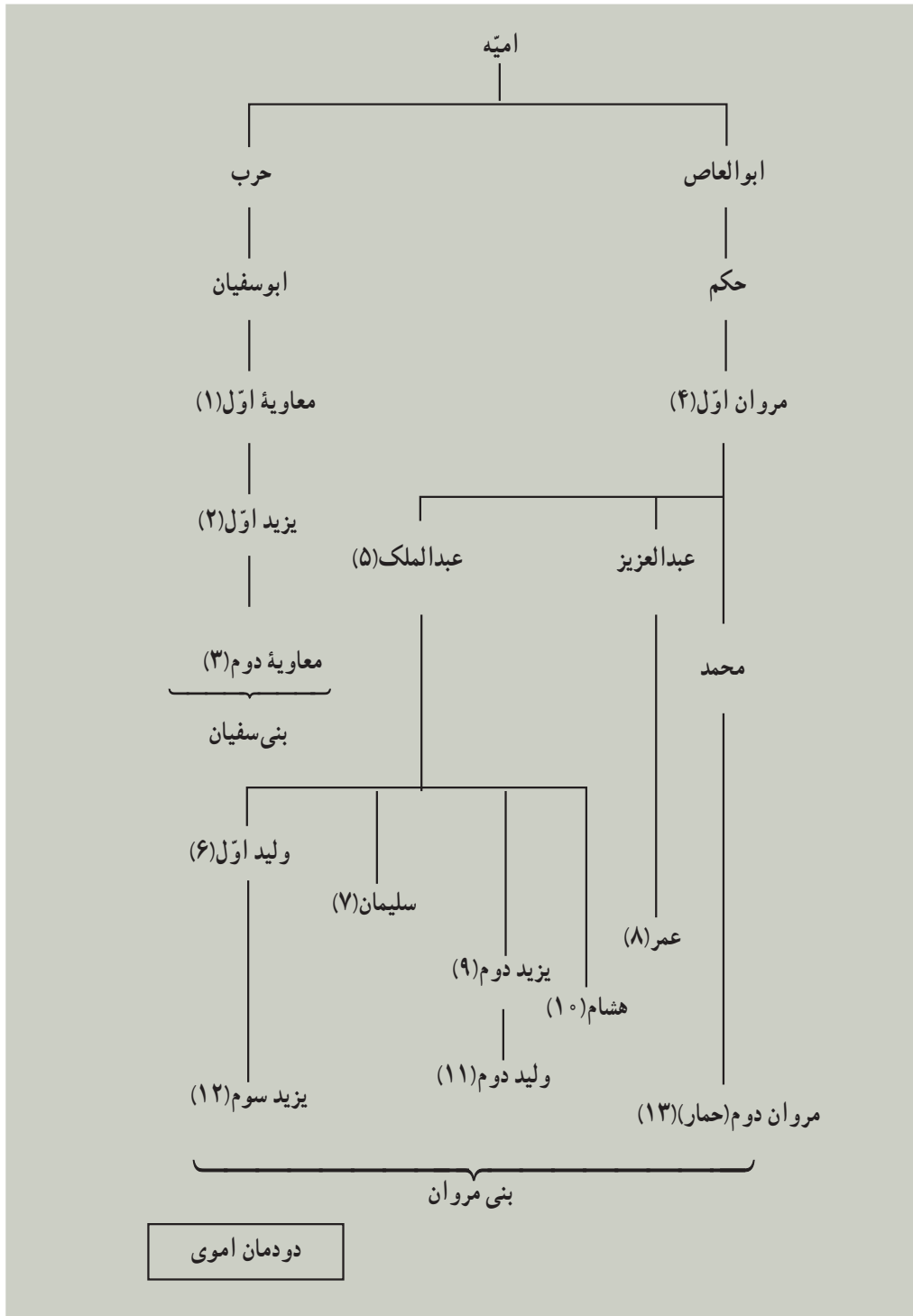
۲- حيله گری و بهره گیری از زیرکان دغل باز :
معاویه جزءاً **طُلُقاً** بود و تا آخرین لحظه ممکن به همراه پدرش - ابوسفیان - با پیشرفت اسلام به مقابله برخاست و زمانی اسلام آورد که مکه فتح شد و او به همراه دیگر گروه های مخالف اسلام در مکه، به اسارت رسول خدا صلی الله علیه و آله درآمدند و با **مَنّت** آن حضرت، آزاد شدند. رفتارهای بعدی معاویه نشان داد که او به ظاهر، اسلام آورده بود و به لوازم آن پایبند نبود. او برای نیل به قدرت، از هیچ کاری دریغ نمی ورزید و از ابزارهای گوناگون بهره می جست. او را یکی از **دُهات** (زیرکان) عرب دانسته اند؛ اما این زیرکی او در کلام امام علی علیه السلام چنین تفسیر شده است: «به خداوند سوگند، معاویه زیرک تر از من نیست؛ اما او اهل **عَدْر** (خیانت) و گناهکاری و زشتی است و اگر بدی خیانت ورزی نبود، من زیرک ترین مردمان بودم». ^۱ او بدین منظور، کسانی مانند عمرو بن عاص، **مُغیره بن شُعْبَة** و زیاد بن ابیه که زیرکی منهای پرهیزکاری داشتند را به خدمت خود در آورد.

پیمان تحمیلی صلح امام حسن علیه السلام با معاویه، آغاز حاکمیت بنی امیه را به دنبال داشت. این حکومت، از سال ۴۱ هجری آغاز و تا سال ۱۳۲ هجری به طول انجامید. دوره حاکمیت معاویه دارای ویژگی های خاصی بود و همچنین از روش ها و ابزارهای عجیبی برای پیشبرد اهدافش بهره می جست. در ادامه به معرفی این ویژگی ها و روش ها می پردازیم.

۱- تبدیل خلافت به پادشاهی : حکومت بنی امیه از همان دوره معاویه، شکل پادشاهی (ملوکیت) یافت. معاویه خودش درباره خویش می گفت: «**انا اوّل الملوک**»؛ «من اولین پادشاه هستم.» سبب این سخن آن بود که خلفای پیشین با عنوان «**خلیفة رسول الله**» شناخته می شدند، اما از دوره معاویه چنین شایع شد که دوره خلافت به پایان رسیده است.

معاویه پس از پیمان صلح با امام حسن علیه السلام به کوفه آمد و در یک سخنرانی به مردم چنین گفت: «به خدا سوگند جنگ من برای اقامه نماز، گرفتن روزه و گزاردن حج و دادن زکات (توسط شما) نبود. اینها را که شما انجام می دادید. من با شما جنگیدم تا بر شما امارت یابم. و خداوند آن را به من داد، درحالی که شما از آن ناخشنود بودید».

شیوه حکومت معاویه نیز گویای همین معنا بود. از



فکر کنید و پاسخ دهید

به نظر شما این گونه از زیرکی، با گونه‌ای از زیرکی که در روایات معصومان علیهم‌السلام به آن توصیه شده، چه تفاوتی دارند؟

سرزمین سند را تصرف کردند.

مخالفان بنی امیه (شیعیان، خوارج و ...)

حکومت بنی امیه از همان آغاز، مخالفانی داشت. مخالفان آنها تنها شیعیان اهل بیت علیهم السلام نبودند، بلکه کسانی از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز گروه‌هایی مانند خوارج نیز جزء مخالفان آنها بودند. در دوره بیست‌ساله حکومت معاویه، شیعیان یکی از سخت‌ترین دوره‌ها را گذراندند. معاویه به کارگزاران خود دستور داده بود که: «هرکس را که دلیلی بر دوستی او نسبت به علی علیه السلام یافتید، نام او را از دیوان بیت‌المال حذف کرده، سهم او را قطع کنید، آزار و شکنجه‌اش دهید و خانه‌اش را خراب کنید». معاویه افراد سنگدل و ضد شیعه را برگزیده و به عنوان کارگزار و مأمور خود بر شیعیان مسلط می‌کرد. کشتار و غارت اموال شیعیان از همان اواخر دوره خلافت امام علی علیه السلام آغاز شد. به عنوان مثال، بُسر بن ابی‌ارطاة به مدینه رفت و شماری از دوستان امام علی علیه السلام را به شهادت رساند و خانه‌هاشان را ویران کرد. سپس به دیگر مناطق رفت و هرکس از اصحاب علی علیه السلام را می‌یافت می‌کشت! در دوره حکومت معاویه کارگزارانی همچون مُغیره بن شعبه، زیاد بن ابیه و سمره بن جندب جنایات زیادی در حق شیعیان انجام دادند. به عنوان مثال، زیاد بن ابیه در نخستین اقدام خود، دست کسانی را که در مسجد بصره نسبت به حاکمیت او اعتراض کردند، قطع کرد. او در بصره، نوعی حکومت نظامی برقرار کرد و پس از نماز عشا مأموران هرکسی را می‌یافتند، می‌کشتند! در چنین فضایی، اگر کسی به اعتراض برمی‌خاست، سرنوشت محتوم او مرگ فجیع بود. سرکوب حرکت

۳- رواج تفکر جبرگرایی: معاویه برای توجیه

رفتارهای ظالمانه‌اش، تلاش کرد تفکر جبرگرایی را رواج دهد. براساس این تفکر، تمامی آنچه برای بندگان رخ می‌دهد، طبق خواست و تقدیر الهی است و آنان اختیاری از خود ندارند. بدین لحاظ، معاویه درباره موروثی کردن خلافت و ولایتعهدی یزید می‌گفت: «مسئله یزید، قضایی از قضاهای الهی است و در این مورد، کسی از خود اختیاری ندارد».

۴- بدگویی از امام علی علیه السلام و آزار شیعیان:

وی از آنجا که کینه شدیدی نسبت به امام علی علیه السلام در دل داشت، در طول دوره حکومتش، دستور به سب و لعن و بیزارى جویی از آن حضرت بر منابر رسمی داد و مردم را بدین کار وادار کرد. وی همچنین حدیث‌سازانی را به خدمت گرفت تا روایات دروغین برضد اهل بیت علیهم السلام و به سود دشمنان اهل بیت علیهم السلام جعل کنند و رواج دهند. آزار، اذیت، شکنجه و قتل شیعیان امام علی علیه السلام نیز به صورت جدی در دوره حکومت معاویه دنبال می‌شد؛ و این در حالی بود که وی در پیمان صلح خود با امام حسن علیه السلام تعهد داده بود از این رفتارها پرهیز کند. به جز شیعیان، وی مخالفان دیگری - مانند خوارج - داشت که به سرکوب آنان نیز پرداخت.

۵- موروثی کردن خلافت: معاویه به دنبال

بناگذاری سلسله پادشاهی امویان بود. از این رو، مانند نظام‌های سلطنتی آن را به صورت موروثی درآورد و فرزند ناصالح خود - یزید - را ولیعهد خود قرار داد.

۶- توسعه دامنه فتوحات و قلمرو حکومت:

در دوره معاویه، فتوحات خارجی ادامه یافت. مسلمانان قبرس را فتح کردند و تا نزدیک قسطنطنیه پیش رفتند و در شرق، سیستان و بلوچستان امروزی و قسمتی از

معتزضانه حُجْر بن عدی در کوفه و کشتن او و یارانش توسط معاویه، از جمله این نمونه‌هاست.

خوارج نیز جزء گروه‌های مخالف بنی‌امیه بودند. آنان علاوه بر تبّری و بیزاری‌جویی از علی علیه السلام و فرزندان او، نسبت به بنی‌امیه نیز دشمنی داشتند. خوارج اغلب به علت عدم اعتقاد به تقیّه^۱، حاضر می‌شدند در گروه‌های بسیار کوچکِ چهل یا هفتاد نفری با نیروهای اموی درگیر شوند. اینان برای جنگ با معاویه تردیدی نداشتند، اما به علت اندکی و ضعف نیروها شکست می‌خوردند.

امیر مؤمنان علیه السلام پس از شکست خوارج در نهروان، ضمن این که از باقی ماندن جریان آنان در طول تاریخ خبر داد، شیعیان را از درگیری با آنان منع کرد. این بدان جهت بود که خوارج دشمن بنی‌امیه نیز بودند و درگیری شیعیان با خوارج موجب غفلت آنان از دشمن اصلی و به سود بنی‌امیه بود. با وجود این، در شورش‌های خوارج در دوره معاویه، شیعیان نیز در برخی از درگیری‌ها در برابر خوارج قرار داشتند.

ولیعهدی یزید (موروثی کردن خلافت)

یکی از اقداماتِ شوم معاویه، موروثی کردن حکومت و خلافت، از طریق اعلام ولایتعهدی یزید و بیعت گرفتن برای او بود.

در سال ۴۹ هجری^۲، معاویه با مسموم کردن امام حسن علیه السلام به دست همسرش^۳ عملاً یکی از مهم‌ترین موانع را از سر راه برداشت! تلاش معاویه برای اخذ بیعت بر ولایتعهدی یزید، از سال ۵۵ هجری شکل جدی‌تری

به خود گرفت. او در سفرش به مکه و مدینه کوشید با بخشش‌های زیاد به مردم، آنها را برای این کار متقاعد سازد اما مشکل زمانی حل می‌شد که افراد شاخص از فرزندان صحابه برجسته پیامبر صلی الله علیه و آله با این کار موافقت کنند؛ یعنی کسانی همچون حسین بن علی علیه السلام، عبدالله بن جعفر، عبدالله بن عباس، عبدالله بن زبیر و عبدالله بن عمر. معاویه به منظور جلب رضایت آنان، پیش از آمدن به مدینه نامه‌های مختلفی مشتعل بر تهدید و تطمیع، برای مخالفان ارسال کرده بود. در مجلسی که در مدینه تشکیل شد، نیز پس از ابراز برخی مخالفت‌ها، تهدیدهای او تکرار گشت.

معاویه سپس به سوی مکه حرکت کرد. او در آنجا با حيله و نیرنگ، در جمع حاجیان، به دروغ اعلام کرد که آن چند نفر مخالف، پنهانی با او بیعت کرده‌اند و گروهی از شامیان نیز با شمشیرهای از نیام برآمده، فریاد زدند که باید آنها علناً بیعت کنند. اما معاویه آنها را ساکت کرد، سپس از منبر به زیر آمد و هدایایی بین مردم تقسیم کرد و راهی شام شد! در آن مجلس، با اینکه آن چند نفر حضور داشتند؛ اما به علت فضای خفقان‌آمیز موجود، نتوانستند ابراز مخالفت کنند، اما به مردم گفتند که بیعتی در کار نبوده است. چند سال بعد که معاویه به حاکم مدینه نوشت تا برای یزید بیعت بگیرد، او نیز در پاسخ نوشت که آن چند نفر بیعت نکردند. بدین ترتیب، معاویه تلاش کرد قبل از مرگش نهایت تلاش خود را برای جانشینی یزید به کار بندد.

۱- تقیه یعنی فرد مؤمن به علت وجود مصلحت بالاتر، اعتقاد حق خویش را پنهان و خلاف آن را آشکار کند.

۲- و بنا بر روایتی دیگر، در سال پنجاهم هجری.

۳- جده، دختر اشعث بن قیس

عمر و بن عاص

عمر و بن عاص بن وائل یکی از شخصیت‌های زیرک و مرموز در حوادث صدر اسلام است. پدرش همان کسی است که پیامبر صلی الله علیه و آله را آبر خواند و سوره کوثر در مذمت او نازل شد. عمر و عاص پس از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جزء کسانی بود که بردوش پیامبر صلی الله علیه و آله شکمبه شتر انداختند. وی همچنین برای آزار رسول خدا صلی الله علیه و آله اشعاری سروده بود که کودکان آن را می‌خواندند، بدین جهت آن حضرت وی را مورد لعن خویش قرار داد. پس از هجرت مسلمانان به حبشه، وی از سوی مشرکان به آنجا رفت تا مسلمانان را باز گرداند، اما دست خالی بازگشت. وی در سال هشتم هجری - اندکی پس از فتح مکه - اسلام آورد و مأموریت‌هایی از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله به او داده شد؛ همچون فرماندهی سربّه ذات السلاسل و نیز جمع‌آوری زکات مردم عُمان. او در دوره خلافت ابوبکر و عمر از نزدیک‌ترین افراد به آنان بود. در سال ۱۲ هجری ابوبکر او را با سپاهی به فلسطین فرستاد و تصرف غرب اردن به دست او بود. وی در فتح شام نیز حضور داشت. او در دوره عُمر، والی فلسطین شد و سپس به همراه سپاهی، مصر را فتح کرد و خودش والی آنجا شد و در بخشی از دوره عثمان نیز در این سمت باقی بود. سپس عثمان وی را عزل و عبدالله بن سعد بن ابی سرح را والی آنجا کرد. او در دوره خلافت امام علی علیه السلام به معاویه پیوست و همه‌کاره دستگاه حکومتی او شد. وی با نیرنگ‌هایی (همچون قرآن بر سر نیزه کردن) در صفین و در دیگر موارد توانست معاویه را از خطر سقوط برهاند. از این‌رو، معاویه او را به مصر فرستاد. عمر و عاص پس از کشتن محمد بن ابی‌بکر - فرستاده امام علی علیه السلام به مصر - خود حاکم آنجا شد و تا هنگام مرگش در سال ۴۳ هجری در این سمت باقی بود. او در کلام امیر مؤمنان علیه السلام به شدت مورد نکوهش قرار گرفت و به عنوان مُحارب نسبت به اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی شد.

پرسش‌های نمونه

- ۱- معاویه چگونه توانست صلح را بر امام حسن علیه السلام تحمیل کند؟
- ۲- مفاد صلح‌نامه امام حسن علیه السلام و معاویه را بازگوید.
- ۳- ویژگی‌ها و چگونگی عملکرد معاویه را به‌طور خلاصه بیان کنید.
- ۴- شیعیان در عصر خلافت معاویه در چه وضعیتی به‌سر می‌بردند.
- ۵- معاویه چگونه توانست ولایتعهدی یزید را بر مردم تحمیل کند؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- یکی از حوادث خون‌بار، قتل حُجْر بن عدیّ به دست معاویه است. درباره این حادثه گزارشی تاریخی ارائه کنید.
- ۲- نقش معاویه در جعل حدیث برضد اهل بیت علیهم السلام را ضمن پژوهشی به‌صورت مستند ارائه کنید.

حماسهٔ حسینی

مقدمه

حوادث پدید آمده پس از رحلت رسول خدا ﷺ، بستری برای رخدادهای تأسف آور بعدی شد. دیدیم که بنی‌امیه چگونه توانستند با بهره‌گیری از تسامح دو خلیفهٔ اول و دوم و قوم‌گرایی سومین خلیفه، رفته رفته زمینهٔ اقتدار بیشتر خود را فراهم آورند و نهایتاً با تحمیل صلح بر امام حسن علیهما السلام، پادشاهی اموی را تأسیس کنند. آنان به تصاحب قدرت سیاسی بسنده نکردند و حرکتی فرهنگی را نیز آغاز کردند تا جامعه را از اسلام اصیل دور سازند. از این رو، امام حسین علیهما السلام با آگاهی دقیق از حرکت مرموز بنی‌امیه، قیام خونینش را به انجام رساند و نقشی ماندگار بر صفحات تاریخ رقم زد. این حادثه، دارای آثاری بود که واقعهٔ حرّه و قیام‌های توأبیین و مختار از آن جمله است. در درس حاضر به بررسی حماسهٔ حسینی و مسائل پیرامون آن می‌پردازیم.

زمینه‌های قیام

می‌کنیم :

۱- زمینه‌های سیاسی : در درس‌های پیشین دیدیم که رهبری سیاسی جامعه پس از رحلت رسول خدا ﷺ به دست امامان معصوم علیهما السلام از اهل بیت پیامبر ﷺ واگذار نشد و جامعهٔ اسلامی تنها حدود پنج سال، طعم رهبری دو امام معصوم، یعنی امام علی علیهما السلام و امام حسن علیهما السلام را چشید و دیدیم که امام حسن علیهما السلام تنها به مدت چند ماه آن هم در حال جنگ با معاویه عهده‌دار

حماسهٔ تاریخی امام حسین علیهما السلام در پی مجموعه‌ای از رخدادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پدید آمد که آنها زمینه‌ساز بروز این قیام بودند. رخدادهای زمینه‌ساز این قیام تنها به سالیان پیش از حادثه مربوط نبوده و باید آنها را در حوادث پس از رحلت رسول خدا ﷺ ریشه‌یابی کرد. بدین منظور، زمینه‌های قیام امام حسین علیهما السلام را در سه محور سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مرور

معاویه - که خود تا حدودی ظواهر اسلام را حفظ می‌کرد - کسی را به ولیعهدی معرفی کرد که به انجام علنی گناهان مشهور بود؛ از این رو، امام حسین علیه السلام با مشاهده چنین وضعی، قیامی را ترتیب داد که توانست به صورت آشکار دو خط حق و باطل را از یکدیگر جدا سازد.

خلافت بود. انحراف جریان خلافت از مسیر ترسیم شده توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سبب شد رفته رفته رهبری سیاسی جامعه در دستان کسانی قرار گیرد که کمترین شایستگی را نسبت به خلافت و حاکمیت دارا نباشند. خاندان بنی امیه که در آخرین لحظات ممکن و پس از فتح مکه، به ظاهر اسلام آورده بودند، زمام امور را در دست گرفتند و نهایتاً

فکر کنید و پاسخ دهید

آیا می‌توانیم بین مسیری که جریان خلافت پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیدا کرد، با حادثه عاشورا ارتباطی ایجاد

کنیم؟

۲- زمینه‌های فرهنگی: یکی از اقدامات خلیفه دوم، جلوگیری از نقل و تدوین احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم توسط مسلمانان بود. این امر رفته رفته موجب شد

مسلمانان از سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دورتر و به اموری که به صورت بدعت آمیزی در دین داخل می‌شد، عادت کنند. بیشتر، درباره شیوه عملکرد معاویه، اشاره کردیم که او تلاش می‌کرد با استخدام دین‌فروشان دنیاطلب، روایات مجعول و دروغین در جامعه رواج دهد؛ و این در حالی بود که صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و تابعین^۱ در فضای خفقان آمیز آن دوره، از نقل شنیده‌های خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یا دیگران - که خوشایند حاکمیت اموی نبود - ممنوع بودند. بنابراین، فضای فرهنگی جامعه در دهه‌های پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تا حماسه حسینی، به گونه‌ای پیش رفت که معارف دینی دچار تحریف و تغییر شد و بسیاری از امور خارج از دین و بدعت آمیز، به نام دین در اختیار مردم قرار گرفت. این وضعیت، حرکتی انقلابی

۳- زمینه‌های اجتماعی: متأسفانه مردم آن زمان نیز رفته رفته از خلق و خوی اسلامی فاصله گرفته و گرفتار نوعی بازگشت به عصر جاهلی شده بودند؛ به عنوان مثال، در عصر جاهلی، نگاه‌های نژادپرستانه رواج داشت و عرب بودن نوعی امتیاز بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با این فکر به مقابله برخاست و هرگونه امتیاز ناشی از چیزی غیر از تقوا و پرهیزکاری را مردود شمرد اما در دوره خلفا، این گونه امتیازات کاذب مجدداً مطرح شد. خلیفه دوم، نظامی طبقاتی در تقسیم بیت‌المال و نیز امتیازات سیاسی و اجتماعی را برقرار ساخت. در دوره حاکمیت بنی امیه، یعنی عصر عثمان و معاویه این نوع نگاه رو به شدت و فزونی نهاد. امیرمؤمنان علی علیه السلام در دوره کوتاه خلافتش آن را ملغی اعلام کرد و در عمل نیز همچون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفتار کرد، اما معاویه و دیگر خلفای

۱- تابعین به کسانی گفته می‌شود که موفق به ملاقات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشده، اما با صحابه آن حضرت دیدار و همنشینی داشته‌اند.

اموی، نگاه طبقاتی، قبیله‌ای و نژادی را به شدت رواج و مورد عمل قرار دادند. همچنین گرایش‌های دنیاطلبانه بعضی از حاکمان، خلق و خوی دنیاطلبی را در بدنه جامعه نیز تسری داد و این حقیقت در کلمات امام حسین علیه السلام این چنین نمود یافته است: «همانا مردم بندگان دنیایند و دین بازیچه زبانهای آنهاست و تا آنجا گرد دین می چرخند که معیشتشان فراهم آید؛ و آن گاه که با بلایا آزموده شوند، دین داران اندک اند.».

از مدینه تا کربلا

با مرگ معاویه در ماه رجب سال شصتم هجری، یزید طبق قرار قبلی به خلافت رسید. این خبر هنوز به مدینه نرسیده بود که یزید همه تلاشش را برای اخذ بیعت

از مخالفان به کار بست؛ از این رو طی نامه‌ای، از والی خود در مدینه - ولید بن عتبة بن ابی سفیان - خواست که به سرعت از امام حسین علیه السلام و نیز عبدالله بن زبیر - که بیشترین احتمال خلافت در آنها می رفت - بیعت بگیرد.

با آمدن فرستاده والی نزد امام، آن حضرت دریافت که معاویه از دنیا رفته، لذا هنگام رفتن به قصر والی، جمعی از افراد بنی هاشم را به طور مسلح با خود همراه کرد. آن شب، امام علیه السلام در برابر درخواست والی مدینه، و نیز اصرار مروان بن حکم برای بیعت با یزید، ضمن مخالفت، چنین فرمود: «یزید مردی فاسق و شراب خوار و قاتل نفوس محترم بوده و کسی است که آشکارا به انجام فسق و گناه می پردازد و شخصی چون من با کسی چون او بیعت نخواهد کرد».

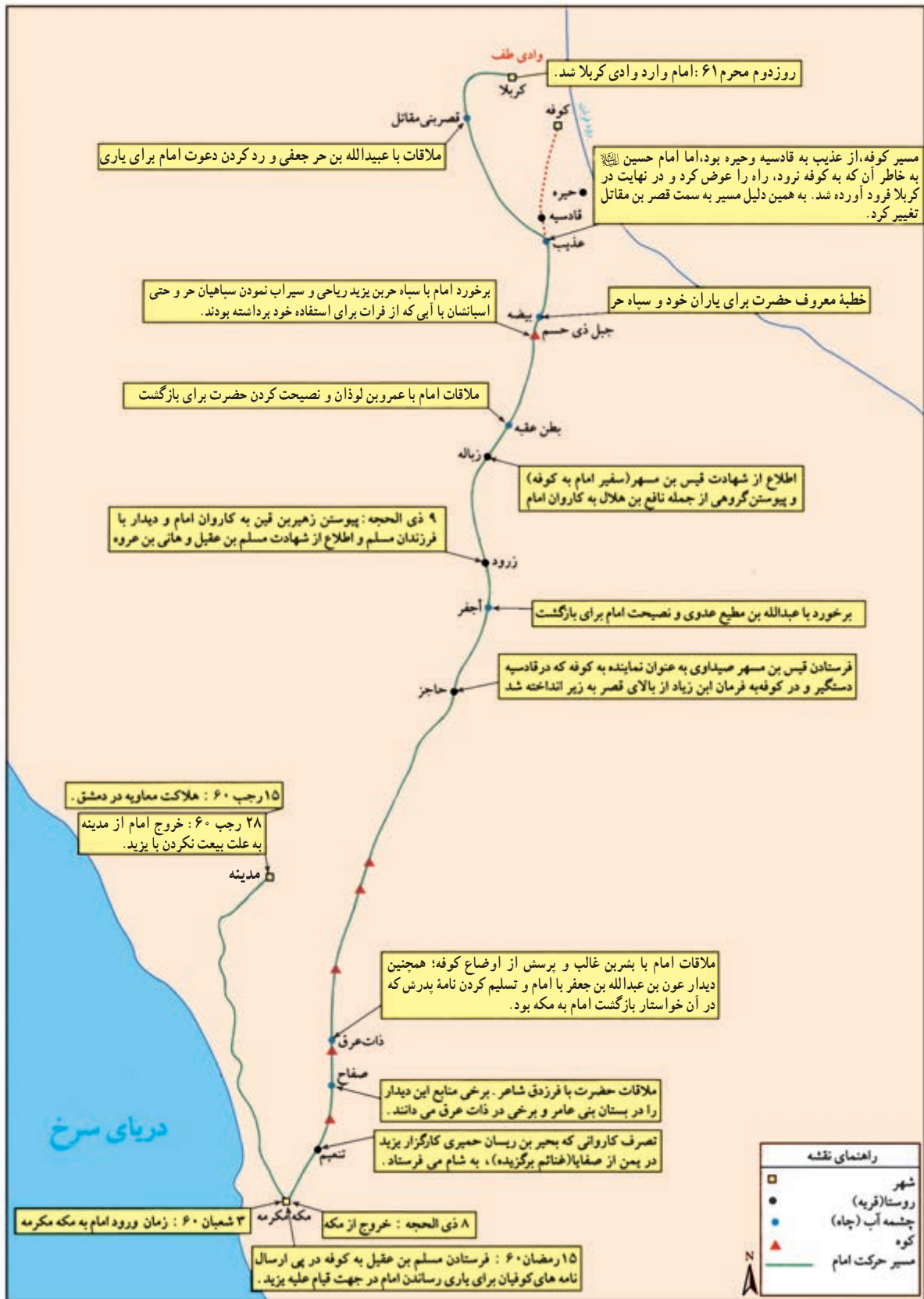
فکر کنید و پاسخ دهید

آگاهی‌های خود درباره ویژگی‌های یزیدین معاویه را به بحث بگذارید.

امام علیه السلام شب بعد (سوم شعبان سال شصتم هجری)

پس از آنکه نامه‌های پی در پی کوفیان به امام علیه السلام رسید و طی آن نامه‌ها، از حضرت دعوت کرده بودند به کوفه رود. امام علیه السلام پسرعموی خود - مسلم بن عقیل - را مأمور رفتن به کوفه کرد و به او فرمود: «اگر دیدی مردم به طور یکپارچه تمایل به بیعت با من را دارند، مرا خبر کن تا بر آن اساس عمل کنم». مسلم با دشواری به کوفه رسید و پس از ۳۵ روز، حدود هجده هزار نفر با او بیعت کردند.

به همراه خاندانش از مدینه به سوی مکه حرکت کرد. با ورود امام علیه السلام به مکه، مردم شهر بسیار خشنود و گرد او جمع شدند. حتی عبدالله بن زبیر نیز که خود داعیه رهبری داشت، در نماز جماعت و مجلس حدیث امام علیه السلام شرکت جست. امام علیه السلام در مدت اقامتش در مکه، با شخصیت‌های مختلف حاضر در آنجا دیدار و گفت و گو داشت و علل عدم بیعت خود را با یزید بیان می کرد. در این مدت، نامه‌های کوفیان نیز به دست



مسیر حرکت کاروان امام حسین علیه السلام از مدینه تا کربلا، مأخذ: اطلس شیعه، رسول جعفریان

برای حمایت از امام اعلام کرده بود و دیگر آنکه خطر سوء قصد عوامل یزید به جان آن حضرت در مکه وجود داشت. آن حضرت در مسیر حرکت به عراق، از شهادت مسلم باخبر شد، اما چاره‌ای جز ادامه مسیر نبود. به جز مسلم، امام علیه السلام دو فرستاده دیگر^۱ نیز به کوفه اعزام کرده بود که خبر شهادت آنان - پس از خبر شهادت مسلم - به حضرت رسید.

نخستین برخورد امام با سپاه دشمن، برخورد با سپاه هزار نفری به فرماندهی حر بن یزید ریاحی بود. این سپاه مانع حرکت امام علیه السلام به سوی کوفه شد و به ناچار، آن حضرت در دوم محرم سال ۶۱ هجری در سرزمین کربلا فرود آمد.

رهبران حزب اموی با دیدن گرایش مردم کوفه به فرستاده امام حسین علیه السلام، از رفتار نرم نَعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ - والی کوفه - یزید را مطلع کردند؛ از این رو، یزید او را عزل و عبیدالله بن زیاد را - که والی بصره بود - برای کوفه نیز نصب کرد. با آمدن ابن زیاد به کوفه، و تهدیدات شدید او، رفته رفته مردم از گرد مسلم بن عقیل پراکنده شدند و نهایتاً عبیدالله توانست مسلم را دستگیر و در روز نهم ذی الحجه سال ۶۰ هجری (روز عرفه) به شهادت رساند. امام حسین علیه السلام در روز هشتم ذی الحجه (یک روز پیش از شهادت مسلم) از مکه خارج شد و راه عراق را در پیش گرفت. آن حضرت در رفتن به کوفه شتاب داشت و سبب این کار دو چیز بود: یکی آنکه مسلم آمادگی کوفیان را

فکر کنید و پاسخ دهید

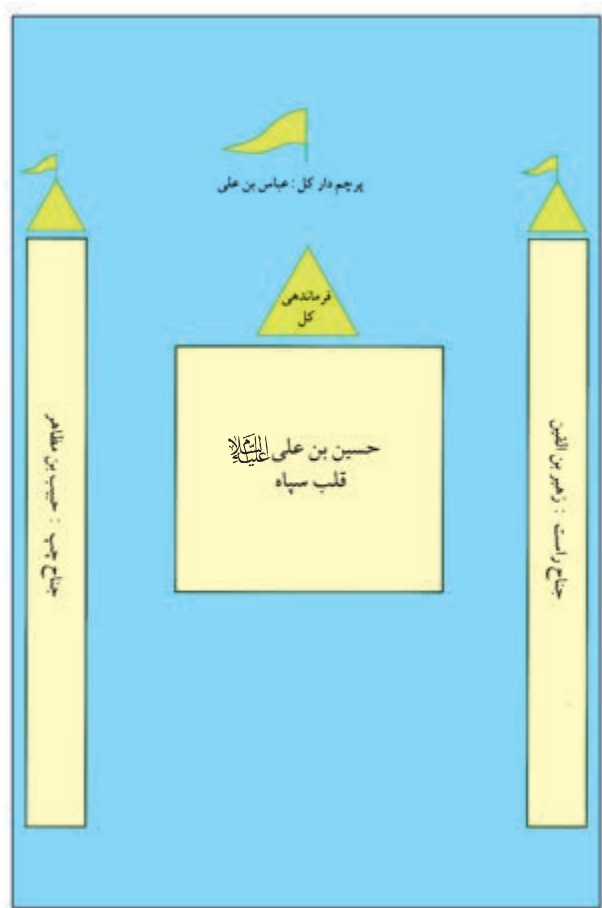
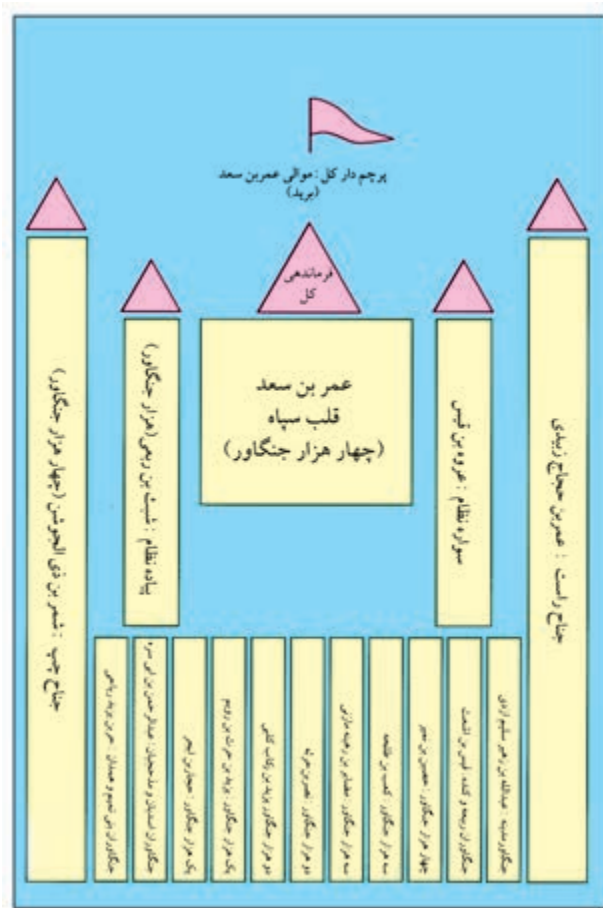
به نظر شما، با وجود آگاه شدن امام از خیانت مردم کوفه، چرا آن حضرت همچنان به سوی کوفه ادامه مسیر داد؟

صادر کرد! این گونه سخت گیری‌ها موجب شد همه کسانی که به سنّ بلوغ رسیده بودند، در لشکرگاه کوفه (نُخَيْلَه) حاضر شوند. البته کسانی هم تلاش کردند راه فرار در پیش گیرند و نیز کسانی در صدد پیوستن به سپاه امام بودند اما با کنترل شدید راه‌ها، چنین کاری بسیار دشوار بود. در عین حال، بسیاری از مردم، یا در کوفه مخفی شده بودند یا از بین راه، از سپاه کوفه می‌گریختند و بسیاری از مردم نیز گمان جنگ و شهادت امام حسین علیه السلام را نمی‌بردند. از فردای روز ورود امام به کربلا سپاهیان ابن زیاد به تدریج در این سرزمین جمع شدند.

حادثه کربلا

با آمدن امام حسین علیه السلام به سرزمین کربلا، زمینه‌های تحقق یک رخداد عظیم در تاریخ بشر به تدریج فراهم آمد. ابن زیاد با آگاهی از حضور امام در کربلا، مردان کوفه را با تهدید به قتل خود و خانواده‌شان برای حضور در جنگ با امام علیه السلام بسیج کرد. وی به مأموران خود دستور داد در شهر بگردند و هر کس را یافتند که به سپاه کوفه ملحق نشده، او را به قتل برسانند. آنان مردی از قبیله هَمْدَان را یافتند که در طلب میراث پدرش به کوفه آمده بود. وی را نزد ابن زیاد بردند و او نیز فرمان قتلش را

۱- قیس بن مُسَیْب صیداوی و عبدالله بن بُقَطْر.



چگونگی آرایش و سازماندهی سپاه عبیدالله بن زیاد به فرماندهی عمر بن سعد در روز عاشورا

چگونگی آرایش و سازماندهی سپاه امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا

مأخذ: اطلس شیعه، رسول جعفریان

نصیحت کند و آگاهی دهد و خود آغازگر جنگ نباشد، اما از آن سو، جنگ آغاز گشت. البته کسانی هم از سپاه دشمن به جبهه امام (علیه السلام) پیوستند. یکی از اینان، حُر بن یزید ریاحی بود؛ هم او که راه را بر امام بسته و او را به کربلا کشانده بود! امام (علیه السلام) توبه حُر را پذیرفت و او نیز بی درنگ به میدان جنگ رفت و شجاعانه جنگید و به شهادت رسید.

در آغاز، نبرد تن به تن آغاز شد اما از آنجا که یاران امام (علیه السلام) مسلح به نیروی ایمان بودند، یکی از فرماندهان دشمن روبه سپاه خود کرد و گفت: «شما در حال جنگ با قهرمانان عرب هستید. اگر آنان را تیرباران نکنید،

فرماندهی سپاه ابن زیاد با عمر بن سعد بن ابی وقاص بود. وی به طمع حکومت بر ری، فرماندهی چنین جنگی را پذیرفته بود. سپاه ابن زیاد قصد داشت عصر روز نهم (تاسوعا) به سپاه امام (علیه السلام) حمله برد، اما امام (علیه السلام) درخواست کرد درگیری به فردای آن روز موکول شود تا آن شب را به عنوان آخرین شب زندگی، به عبادت و راز و نیاز با معبود بپردازند و آن شب در خیمه‌های امام (علیه السلام) و یارانش نجواهای عاشقانه از تلاوت قرآن و دعا و نماز برپا شد.

صبح روز دهم (عاشورا) در حالی که امام (علیه السلام) تلاش داشت افراد جاهل و فریب خورده از سپاه ابن زیاد را

مطهر و بدون سر و قطعه قطعه شده امام علیه السلام و بیش از هفتادتن از یاران و اهل بیتش بر روی خاک‌های گرم و تفتیده کربلا در خون غلتان بود و اسطوره جاوید حماسه و ایثار و شهادت در تاریخ بشر رقم خورد.

به دست آنها کشته خواهید شد». از این رو تیرباران شدیدی انجام گرفت و در طی چند درگیری، نخست اصحاب امام علیه السلام و سپس افراد خاندان امام علیه السلام به ترتیب به شهادت رسیدند و غروب عاشورا در حالی فرا رسید که اجساد

یک توضیح

آگاهی امام حسین علیه السلام از شهادت

بر اساس روایات موجود، امام حسین علیه السلام از شهادت خود در سرزمین کربلا آگاه بود و از این رو، آن حضرت، حرکتی آگاهانه و مبتنی بر اهداف روشن را آغاز کرده بود. گفتنی است آگاهی آن حضرت از شهادت، با اهداف سیاسی و حکومتی آن حضرت منافاتی ندارد و هدف اصلی حرکت امام علیه السلام که جداسازی حق از باطل و ترسیم مسیر شهادت‌طلبی در طول تاریخ بود، با شهادت آن حضرت به دست می‌آمد.



تابلوی عصر عاشورا! اثر استاد محمود فرشچیان

حرم مطهر حضرت امام حسين عليه السلام و حضرت ابو الفضل العباس عليه السلام



نقش تاریخی قیام امام حسین علیه السلام

سال ۶۳ هجری گروهی از بزرگان مدینه از سوی والی مدینه به شام فرستاده شدند تا یزید ضمن بذل و بخشش به آنان، چهره خود را که پس از شهادت امام حسین علیه السلام به شدت نزد آنان مخدوش شده بود، بهبود بخشد اما آنان یزید را دارای اوصاف و خلق و خوبی یافتند که به هیچ وجه با اوصاف یک فرمانروای اسلامی سازگاری نداشت؛ از این رو، پس از بازگشت به مدینه، یزید را چنین توصیف کردند: «او دین ندارد، مشروب می نوشد، بر تنبور^۱ می کوبد و بردگان نزد او می نوازند و با سگان بازی می کند». لذا گفتند که حاضر به اطاعت از او و پذیرش امامتش نمی باشند و رفته رفته در مدینه شورش به پا شد. شورشیان، امویان و یاران آنان را که تقریباً حدود هزار نفر بودند، در خانه مروان بن حکم محاصره کردند و پس از آن، با خفت و خواری و در حالی که بچه ها به آنان سنگ پرتاب می کردند، از شهر بیرون راندند. رهبری این شورش را عبدالله بن خنظل غسیل الملائکه^۲ عهده دار بود. یزید برای مقابله با این شورش، یکی از فرماندهان سنگدل خود به نام مسلم بن عقبه^۳ را به همراه سپاهی پنج هزار نفری به سوی مدینه فرستاد. مردم مدینه تلاش کردند با بازسازی خندقی که در جنگ خندق حفر شده بود، مانع ورود سپاه یزید به شهر شوند. از این رو، سپاه یزید در بیرون مدینه، در ناحیه شرقی، یعنی منطقه حرّه واقم اردو زدند.^۴ اما سرانجام توانستند با وعده های مالی و فریفتن قبیله بنو حارثه، به شهر وارد شوند، و پس از کمتر از یک روز درگیری، شهر را تصرف کنند.

امام حسین علیه السلام چه هدف یا اهدافی را از قیام خونینش دنبال می کرد؟ آیا نابودی بنی امیه جزء اهداف اصلی او بود؟ یا برقراری حکومت عدل؟ یا...؟ آن حضرت خود، سبب حرکتش را اقامه امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح جامعه و برداشتن بدعت ها از چهره دین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معرفی کرده است. گفتیم که جامعه اسلامی پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفته رفته مسیری انحرافی را در پیش گرفت و از معیارهای اصیل مکتب اسلام فاصله گرفت. سنت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم به فراموشی سپرده و یا تحریف شد و آیات قرآن نیز براساس میل حاکمان تفسیر می شد. قیام و شهادت شخصیتی چون امام حسین علیه السلام می توانست به مردم جهان در پهنه تاریخ بفهماند که خط ترسیم شده توسط بنی امیه، نزد شخصیت معصوم و پاکی چون حسین بن علی علیه السلام باطل است و بهترین گواه بر این مدعا، شهادت اوست. بدین لحاظ، آثار قیام حسینی را باید در طول تاریخ و همه زمان ها جست و جو کرد و نه در عصر بنی امیه و بنی عباس؛ و این همان نقش ماندگار و تاریخی قیام حسینی است.

واقعه حرّه

از آنجا که ماهیت شخصیت یزید و حکومتش، آمیخته با ظلم و جنایت بود، وی به جنایت بزرگش در کربلا بسنده نکرد و جنایات دیگری را نیز در طول عمر کوتاه و ننگینش مرتکب شد که واقعه حرّه واقم یکی از آنهاست. در

۱- نوعی آلت موسیقی

۲- وی فرزند همان خنظل غسیل الملائکه است؛ جوانی که به شوق شهادت، صبحگاه شب ازدواجش، در جنگ احد حاضر شد و به شهادت رسید

۳- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گواهی داد که ملائکه او را غسل داده اند.

۴- وی به علت جنایات و خونریزی های فراوان، به مُسرف بن عقبه مشهور شد.

۵- از این رو، این رخداد، به واقعه حرّه واقم معروف شده است.

بنا به وعده‌ای که یزید به سپاهش داده بود، تا سه روز، اموال و نوامیس مردم مدینه بر سپاه شام مُباح اعلام شد! مسلم بن عقیبه، بسیاری از اسیران را به قتل رساند و حتی سرهای بسیاری از کشته شدگان از صحابه رسول خدا ﷺ را نیز از تن جدا کرد! وی پس از تسلط بر شهر، از مردم مدینه برای بندگی یزید بیعت ستاندا!

خون خواهی قیام امام حسین ﷺ

قیام توّابین و مختار: امویان هر چند به ظاهر توانستند امام حسین ﷺ و گروه اندک یاران و خاندانش را در کربلا به شهادت برسانند و به اسارت ببرند اما این کار حکم جرقه‌ای داشت که به انبارهای باروت زده باشند. مردم کوفه خود، دعوت‌کننده امام حسین ﷺ بودند اما بخشی از آنان شریک در قتل امام ﷺ شدند و بخشی نیز او را یاری نکردند. آنان که به هر دلیل موفق نشده بودند، در قیام امام ﷺ شرکت جویند به شدت احساس پشیمانی داشتند. پس از هلاکت یزید در ماه ربیع‌الاول سال ۶۴ هجری، شیعیان کوفه در خانه سلیمان بن صُرد خُزاعی^۱ اجتماع کردند و درباره چگونگی انتقام‌گیری از امویان چاره‌اندیشی کردند.^۲ سپس مبلغان خود را برای جمع‌آوری و آماده‌سازی شیعیان به اطراف پراکندند. گروه توّابین در ربیع‌الاول سال ۶۵ هجری در اردوگاه نخلیه کوفه گرد آمدند و به قصد مقابله با سپاه شام که فرماندهی آن را عبیدالله بن زیاد به دست داشت، حرکت کردند.

با اینکه دوازده یا شانزده هزار نفر با سلیمان بن صرد بیعت کرده بودند اما تنها چهار هزار نفر آماده حرکت

به سوی شام شدند و سپس هزار نفر دیگر نیز به آنها ملحق شدند. توّابین ابتدا به کربلا رفتند و پس از گریه و عزاداری، از خدا خواستند توبه‌شان را بپذیرند. سپس با قبر امام حسین ﷺ و شهدا وداع کرده، راهی شام شدند.

پس از برخورد دو سپاه، درگیری آغاز شد. هر چند در آغاز، پیروزی از آن توّابین بود، اما از آنجا که نیروهای تازه‌نفس، پی‌درپی به سپاه شام ملحق می‌شد، با شهادت سلیمان و بعضی دیگر از فرماندهان و نیروهای توّابین، نهایتاً رُفاعة بن شداد بقیه نیروهای توّابین را به عقب بازگرداند.

پس از قیام توّابین، قیام دیگری برای خونخواهی امام حسین ﷺ رقم خورد و آن، قیام مختار بن ابی‌عُبَید ثقفی بود. وی هنگام حضور عبیدالله بن زیاد در کوفه، توسط او زندانی شد و با وساطت شوهر خواهرش - عبدالله بن عمر - آزاد گشت. او از آنجا که با شیوه عمل توّابین موافق نبود، خود به دنبال جمع‌آوری نیرو در کوفه و اطراف بود؛ لذا یک چهارم طرفداران توّابین به مختار پیوستند اما با تحریک اشراف کوفه و قاتلان امام حسین ﷺ، مختار مجدداً زندانی شد و مجدداً با وساطت ابن‌عمر آزاد شد. پس از شکست توّابین، مختار تبلیغات خود را آغاز کرد. او توانست نیروهای زیادی گرد خود جمع کند و شهر کوفه را به تصرف درآورد.

مختار پس از تصرف کوفه، بسیاری از قاتلان شهدای کربلا را دستگیر و مجازات کرد. او سه دسته دشمن داشت: اشراف کوفه، بنی‌امیه در شام و

۱- وی پیرمردی از صحابه پیامبر ﷺ و از یاران امام علی ﷺ بود.

۲- آنان با استناد به آیه ۵۴ از سوره بقره، در پی توبه و کشته شدن خود بودند تا خطای خویش را جبران کنند: «يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ

الْعِجَالَ فَتَبُؤُوا إِلَى بَارئِكُمْ فَأَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ...».

عبدالله بن زبیر در حجاز. قیام مختار در ربیع الاول سال ۶۶ هجری با شعار خونخواهی امام حسین علیه السلام آغاز شد و پس از درگیری‌ها و حوادث متعدد - که مهم‌ترین آنها انتقام از قاتلان شهدای کربلا بود - با شهادت مختار به دست مصعب (برادر عبدالله بن زبیر)، در سال ۶۷ هجری به پایان رسید.



حرم مطهر حضرت زینب علیها السلام

حضرت زینب علیها السلام

حضرت زینب علیها السلام در پنجم جمادی الاول سال پنجم یا ششم هجری از مادری چون حضرت فاطمه علیها السلام و پدری چون حضرت علی علیه السلام زاده شد. از جمله القاب او، صدیقه صغری و عالمه غیر معلمه است. همسرش عبدالله بن جعفر بود که پسر عموی او و یکی از برجستگان خاندان بنی هاشم به‌شمار می‌آمد. گفته شده که حضرت زینب علیها السلام از همسرش دارای پنج فرزند بود که دو تن از آنها (عون و محمد) در کربلا به شهادت رسیدند. یکی از القاب مشهور حضرت زینب علیها السلام، ام المصائب است؛ زیرا او به‌جز تحمل مصیبت از دست دادن جد و مادر و پدر و برادر، در کربلا شاهد مصیبت‌های بسیار بود. او با صبر و استقامت و شجاعت توانست نهضت حسینی را ادامه دهد و به ثمر رساند؛ زیرا خاندان بنی امیه تلاش داشتند خود را مُحَقِّق جلوه دهند و حرکت امام حسین علیه السلام را

خروج عده‌ای یاغی علیه خلیفهٔ مسلمانان معرفی کنند. آنان بدین لحاظ، اسرای کربلا را هنگام عبور دادن از شهرها، خارجی می‌خواندند. نقش مهم حضرت زینب علیها السلام در تکمیل قیام امام حسین علیه السلام آن‌گاه آشکارتر می‌شود که بدانیم او با فصاحت بی‌نظیرش همچون فصاحت پدرش، امیرمؤمنان علی علیه السلام، با ایراد خطبه و سخنرانی در کوفه و شام، و با تبیین اهداف حرکت امام حسین علیه السلام توانست از سوئی اهل بیت علیهم السلام را به مردم - به ویژه شامیان - بشناساند و از سوی دیگر، ماهیت امویان را برملا سازد. اینها همه در حالی بود که امویان با تبلیغات مسموم، خود را تنها وارثان مکتب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم معرفی کرده بودند. حضرت زینب علیها السلام پس از حادثهٔ کربلا و جریان اسارت، مدت اندکی در قید حیات بود و گفته شده که در نیمهٔ رجب سال ۶۲ هجری به دیدار حق شتافت. هر چند دربارهٔ محل دفن آن حضرت اتفاق نظر وجود ندارد، اما امروزه در دمشق - پایتخت سوریه - حرم مجللی بر مزار منسوب به آن حضرت بنا شده که محل زیارت مشتاقان است.

پرسش‌های نمونه

- ۱- زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی قیام امام حسین علیه السلام را معرفی کنید.
- ۲- چگونگی آغاز نهضت امام حسین علیه السلام و حرکت حضرت از مدینه تا مکه را بیان کنید.
- ۳- ابن‌زیاد چگونه توانست مردم کوفه را برای جنگ در کربلا بسیج کند؟
- ۴- حُر بن یزید ریاحی که بود، چه کرد و چه سرانجامی داشت؟
- ۵- نقش تاریخی قیام امام حسین علیه السلام را توضیح دهید.
- ۶- چرا واقعهٔ حرّه به وقوع پیوست و سرانجام آن چگونه بود؟
- ۷- توأیین به چه انگیزه‌ای قیام کردند و چه سرانجامی داشتند؟
- ۸- مختار ثقفی و قیام او را معرفی کنید.

اندیشه و جست و جو

- ۱- شرح حال یکی از شهدای برجسته در کربلا را به انتخاب خود، بررسی و ضمن گزارشی ارائه کنید.
- ۲- خطبهٔ حضرت زینب علیها السلام یا امام سجاد علیه السلام در مقابل یزید را انتخاب کنید و همراه با توضیح فرازهای مهم، برای دوستانتان بازگویید.

منابع

- ۱- نهج البلاغه، به تحقیق دکتر صبحی صالح
- ۲- آئینه‌وند، صادق، اطلس تاریخ اسلام، تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۷۸.
- ۳- آل یاسین، شیخ راضی، صلح امام حسن پرشکوه‌ترین نرمش تاریخ، ترجمه سیدعلی خامنه‌ای، مؤسسه انتشارات آسیا، ۱۳۵۴ ش.
- ۴- آیتی، محمدابراهیم، تاریخ زندگانی پیامبر اسلام، تصحیح و تعلیقات دکتر ابوالقاسم گرجی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸ ش.
- ۵- ابراهیم حسن، حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جاویدان، ۱۳۶۰ ش.
- ۶- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۷- ابن ابی شیبہ کوفی، محمد، المصنف، به تحقیق سعید لحام، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
- ۸- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی التاریخ الملوک و الامم، محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق.
- ۹- ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه فی معرفة الائمة عليهم السلام، به تحقیق سامی الغزیری، قم، دارالحديث، ۱۴۲۲ ق.
- ۱۰- ابن هشام، عبدالملک، سیرت رسول الله (۲ ج)، ترجمه رفیع‌الدین اسحاق بن محمد همدانی، تصحیح دکتر اصغر مهدوی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۲ ش.
- ۱۱- _____، السیره النبویه، به تحقیق مصطفی سقاو...، مصر، ۱۳۵۵ ق.
- ۱۲- امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۹۷ ق.
- ۱۳- باهنر، محمدجواد و اکبر هاشمی رفسنجانی، جهان در عصر بعثت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
- ۱۴- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، بغداد، مکتبه المثنی.
- ۱۵- _____، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، نشر نقره، ۱۳۶۷ ش.
- ۱۶- بهشتی، محمدحسین، محیط پیدایش اسلام، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج سوم، ۱۳۷۲ ش.
- ۱۷- پیشوایی، مهدی، تاریخ اسلام، قم، نشر معارف، ۱۳۸۸ ش.

- ۱۸- توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران، سمت، ۱۳۸۴ ش.
- ۱۹- جعفری، سیدحسین، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه سیدمحمدتقی آیت‌اللهی، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
- ۲۰- جعفری، یعقوب، بینش تاریخی نهج البلاغه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
- ۲۱- جعفریان، رسول، اطلس شیعه، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
- ۲۲- _____، تاریخ تحول دولت و خلافت، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
- ۲۳- _____، تاریخ سیاسی اسلام، (۲ ج)، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
- ۲۴- _____، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۷۶ ش.
- ۲۵- جوهری، ابوبکر، السقیفه و فدک، به تحقیق محمدهادی امینی، بیروت، شركة الکتبی، ۱۴۱۳ ق.
- ۲۶- حتی، فیلیپ، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تبریز، کتابفروشی حاج محمدباقر کتابچی، ۱۳۴۴ ش.
- ۲۷- حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، به تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ۲۸- حسنی، علی اکبر، تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
- ۲۹- حسینی ادیبانی، سیدابوالحسن، پژوهشی در تاریخ پیامبر اسلام، انوار الهدی، ۱۳۷۵ ش.
- ۳۰- حکیمی، محمدرضا، حماسه غدیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ پانزدهم، ۱۳۷۴ ش.
- ۳۱- حمیدالله، محمد، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در میدان جنگ، ترجمه غلامرضا سعیدی، تهران، کانون نشر محمدی، ۱۳۶۳ ش.
- ۳۲- رازی، ابوحاتم، الجرح والتعديل، حیدرآباد، ۱۹۵۲ م.
- ۳۳- زرگری نژاد، غلامحسین، تاریخ صدر اسلام - عصر نبوت، سمت، ۱۳۷۸ ش.
- ۳۴- زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهرکلام، امیرکبیر، ۱۳۶۶ ش.
- ۳۵- سبحانی، جعفر، راز بزرگ رسالت، تحلیلی از ۲۳ سال زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، کتابخانه مسجد جامع تهران، ۱۳۵۸ ش.
- ۳۶- _____، فروغ ابدیت، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۳۷- سیدنقوی، میرخلیل، تحلیلی از تاریخ دوران پیامبر، تهران، هدی، ۱۳۶۲ ش.
- ۳۸- سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- ۳۹- شهیدی، سیدجعفر، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۳ ش.
- ۴۰- شیخ صدوق، محمدبن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، به تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ ش.
- ۴۱- شیخ طوسی، محمدبن الحسن، التبیان فی تفسیر قرآن، قم، مکتب «الاعلام الاسلامی»، ۱۴۰۹ ق.
- ۴۲- شیخ مفید، محمدبن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفه الحجج الله علی العباد، به تحقیق مؤسسه آل البیت الاحیاء التراث، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ ق.
- ۴۳- صدر، محمدباقر، فدک در تاریخ، ترجمه محمود عابدی، انتشارات روزبه، ۱۳۶۰ ش.

- ۴۴- طبری، محمدبن جریر، تاریخ الامم والملوک^۱، بیروت، علمی، بی تا.
- ۴۵- عسکری، سیدمرتضی، نقش ائمه در احیاء دین، مجمع علمی اسلامی.
- ۴۶- کریستن سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران، دنیای کتاب، چ هفتم، ۱۳۷۰ ش.
- ۴۷- _____، وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانی، ترجمه مجتبی مینوی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۴ ش.
- ۴۸- ماوردی، علی بن محمد، الاحکام السلطانیه، مصر، السعاده، ۱۳۲۷ ق.
- ۴۹- مدرس، محمدتقی، امامان شیعه و جنبش های مکتبی، ترجمه حمیدرضا آژیر، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش.
- ۵۰- مرتضی، علامه سیدجعفر، سیره صحیح پیامبر بزرگ اسلام، (۶ ج)، ترجمه حسین تاج آبادی، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی آزاد گرافیک، چ دوم، ۱۳۷۳ ش.
- ۵۱- موسوی کاشانی، سیدمحمدحسن، بر امیر مؤمنان علی علیه السلام چه گذشت، دارالکتب اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
- ۵۲- مونس، حسین، اطلس تاریخ اسلام، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۵ ش.
- ۵۳- نصیری (رضی) محمد، تاریخ تحلیلی اسلام، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، چ بیست و دوم، ۱۳۸۳ ش.
- ۵۴- هیئت تحریریه مؤسسه در راه حق، نگرشی کوتاه به زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، قم، مؤسسه در راه حق، چ پنجم، ۱۳۶۱ ش.
- ۵۵- یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، (۲ ج)، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، چ ششم، ۱۳۷۱ ش.

